



مو ، مادرت بطور جدی زخمی  
شده . فکر میکنم اون امروز  
باید خیلی ترسیده باشه ، بخاطر  
همین بوده که همچین کار  
احمقانه ای انجام داده !

از وقتی بچه بودی ،  
مهربون بودی ، پس  
بخاطر این موضوع باهاش  
جر و بحث نکن .



سر این موضوع پاهاش  
 مجرد بحث نکنم؟

دوك خيلي از هان طرفداري  
میکنه. او ن تصميم گرفته که  
حتى توی اين لحظه ام از مadam  
هان محافظت کنه.



حق با شماست پدر.

مادر زخمی شده و ترسیده، و  
همینطور اون باید از شیلیانگ

شیان مراقبت کنه. پس چطوره که  
بزاریم مادام لی تمام این امور  
جزئی و کم اهمیت رو توی  
خانوادمون مدیریت کنه؟

هرزه! هینوای  
قدرتمند از هم بگیری؟

من بانوی قدرتمند  
این عمارت هم!

کافیه!



بیا فقط به حرفای  
مو گوش بدیم

مو حالا یه شاهدخت  
محترم و آبرومنده.  
چرا هنوزم، اینقدر  
لجباز و احمقی ؟



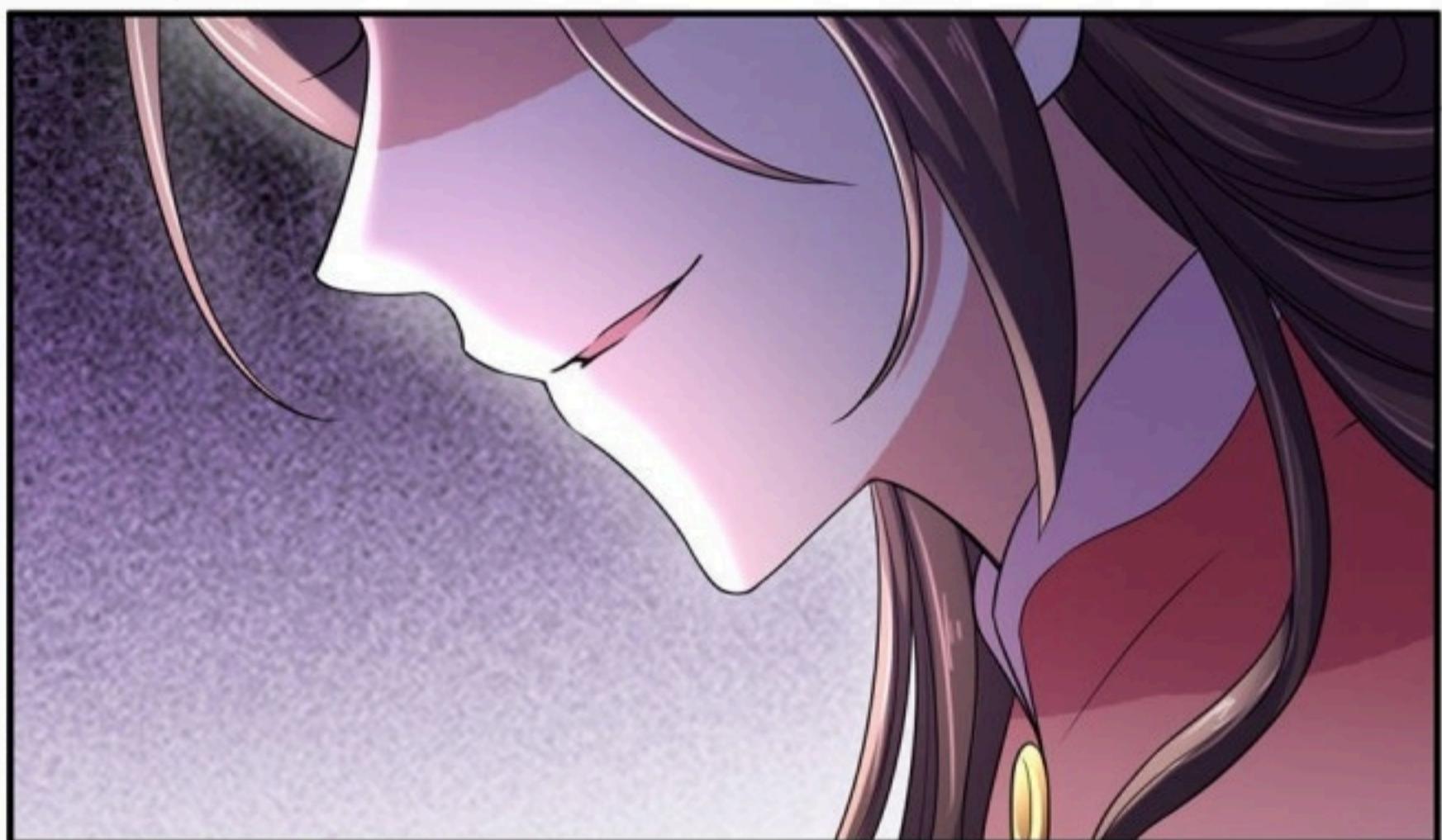
موقتا همه چیز توی این  
عمارت ، به عهده مدام  
لی خواهد بود .

و اونهایی که جرعت کنن  
باعت رنجش شاهدخت  
بسن ، اعدام خواهند شد .



شىخانڭ مو ، چەدر  
تەرىپ ...





... SOS

! AAAAAAA~





امشب، مجازات کردن  
همه توی عمارت مادر،  
قراره خیلی طول بکشه!



همگی به جز کسانی که باید دایه

پیر خدمت کنن ، باید به نوبت برای

یک ساعت مجازات بقیه رو تماشا

کنن ، این برای او نا یه هشداره !



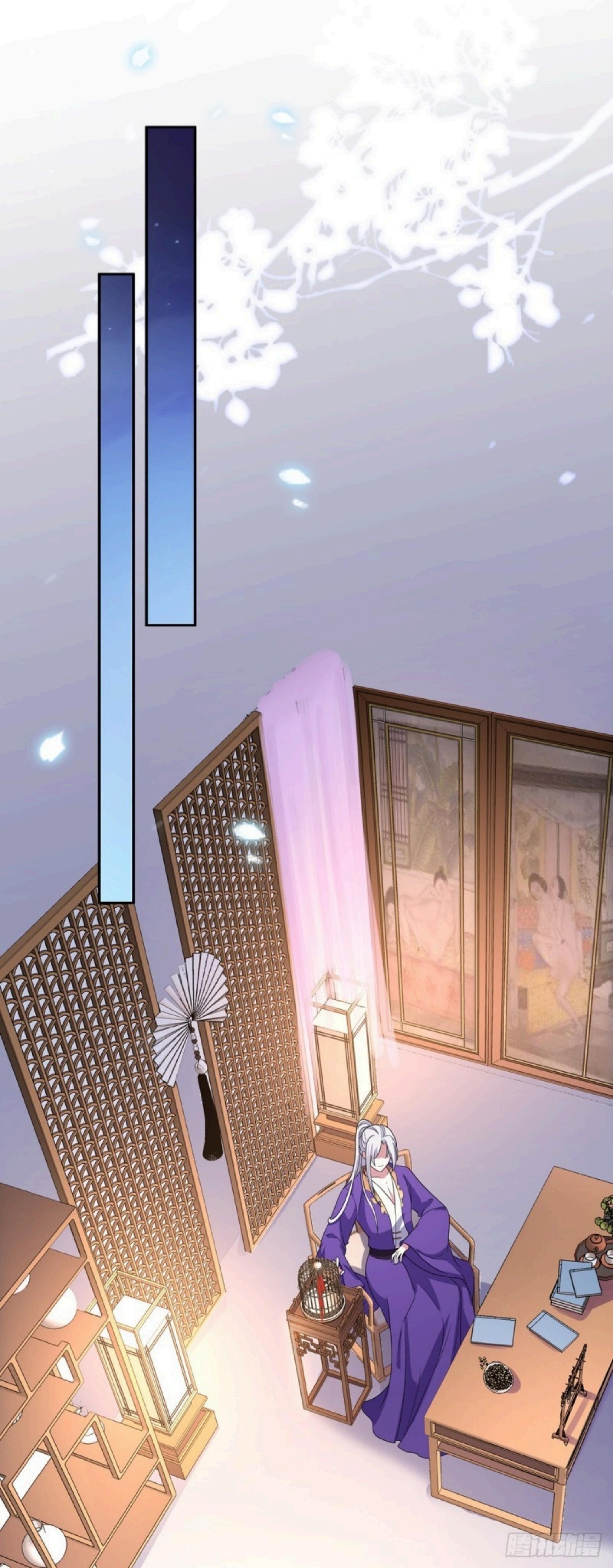


از حالا به بعد ، همه توی

این عمارت باید چند تا

قانون جدید رو یاد بگیرن .





سرورم ، چرا شیلیانگ مو رو  
انتخاب کردین ؟ او ن فقط یه  
دختر بی ملاحظه ست !

از دید من ، بنظر میرسه که او ن هیچ  
چیزی درباره اتفاقات گذشته و اینکه  
شما دنبال چه چیزی می گشتبن  
نمیدونه ، سرورم .

نگهداری  
شب -  
صباها

الآن چیزی نمیدونه ،  
ولی شاید در آینده  
چیزی بفهمه .

翟~

صورت زیباش برام مفیده!  
علاوه بر این، او ن خیلی هم  
با هوشه . پس جالبه که او نو به  
اسباب بازیم تبدیل کنم .





لردمزاده!



این پرنده‌ی کوچیک  
یجورایی شبیه اونه.

همین الان این پرنده  
کوچیک رو بهش بده.

متوجه شدم .

嫌弃

-----،



تایپی: مگه اون زمانم وجود  
داشت؟ بچم گریخت

بعد از کندن گیاه اقو نیطون،  
سوب افزایش حجم سینه رو  
برای اون دختر بفرست.



سینه هاش خیلی  
کوچیکه. حس خوبی  
بهم نمیده.

